

بحثی پیرامون جامعیت قرآن

سید مصطفی موسوی مبلغ

برداشت ها از جامعیت قرآن کریم مختلف است؛ برخی در تعریف آن گفته اند: منظور از جامعیت این است که در قرآن کریم از هیچ نکته و مسأله ای غفلت نشده است.

جامعیت قرآن کریم، یکی از مسایل زیر بنایی و مهم، جهت شناخت عمیق این کتاب الهی است و از مسایل بحث بر انگیز علوم قرآنی است که همواره مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. قطعاً بررسی دقیق و علمی این موضوع می تواند در شناخت هر چه بیشتر قرآن کریم مفید و موثر باشد.

این مقاله در صدد پرداختن به بحث جامعیت قرآن کریم، به عنوان یکی از مسایل مطرح و مهم در علوم قرآنی است ولی از آنجا که این بحث دارای زوایای مبهمی است و اقوال علماء در این مورد بسیار مختلف و گاهی ضد و نقیض است، این مقاله جنبه توصیفی داشته و از هر گونه داوری و نقد خود داری کرده است.

برداشت ها از جامعیت قرآن کریم مختلف است؛ برخی در تعریف آن گفته اند: منظور از جامعیت این است که در قرآن کریم از هیچ نکته و مسأله ای غفلت نشده است و همه چیز را در خود دارد و قرآن مشتمل بر تمامی اصول و مبانی علوم طبیعی و ریاضی و فلکی و حتی رشته های صنعتی و اکتشافات علمی و غیره می باشد و چیزی از علوم و دانستنی ها را فرو گذار نکرده است. خلاصه، قرآن علاوه بر یک کتاب تشریحی، کتابی علمی نیز به شمار می رود و برای اثبات مدعای خود به آیاتی از قبیل « وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ » (نحل / ۸۹ و) « مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ » (انعام / ۳۸) « وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ » (انعام، ۵۹)، استناد جسته اند.

بنابر اصل جامعیت قرآن، و برداشتی که از آن شده است، برخی این مجموعه عظیم الهی را حاوی کلیه علوم و مسائل مورد نیاز بشر پنداشته و در پی ایجاد رابطه ما بین کلیه علوم نوین با قرآن کریم برآمده اند.

آیت الله محمد هادی معرفت، این پندار را افراطی می داند و می گوید: «این ادعا که هر آنچه بشر به آن رسیده یا می رسد مانند دستاوردهای علمی، فنی، فرهنگی و... از قرآن بوده، و یا ریشه قرآنی دارد، ادعایی گزاف و بی اساس است. مقصود از کمال و جامعیت قرآن، جامعیت در شؤون دینی، اعم از اصول و فروع آن است؛ یعنی آنچه در رابطه با اصول، معارف و احکام و تشریحات، بطور کامل در دین مطرح گشته است؛ به عبارت دیگر هر آنچه که در زمینه سلامت و سعادت معنوی، روحی و اخلاقی انسان است، در برنامه ها و اهداف قرآن قرار دارد، اما روشهای اجرایی، ساختاری و اجتماعی برای پیاده کردن این برنامه ها به عهده انسانهاست.

بایستی به این نکته توجه داشت که دلیل ادعای قرآن کریم به کمال، در «الیوم اکملت لکم دینکم» و یا «تبیانا لکل شیء» «برعهده داشتن تشریح مطالب است؛ چنانچه از زاویه تکوین چنین می گفت، باید انتظار می داشتیم که هر آنچه بشر از علوم طبیعی، تجربی و... نیاز دارد بطور کامل در قرآن آمده باشد و یا حداقل ریشه اش در قرآن

باشد؛ ولی منظور قرآن از «بیان هر چیز» و «کامل بودن دین» آن است که قرآن هر آنچه را در زمینه شریعت است، برای ما طرح و پایه ریزی کرده است. (مجله پژوهش‌های قرآنی، ش ۱۲-۱۱، ص ۲۱۰-۲۱۲)

نظریه دیگری که در بحث جامعیت قرآن مطرح است، جامعیت نسبی قرآن است. معتقدان به این نظریه می‌گویند: قرآن جامعیت دارد ولی جامعیتش محدود به حیطه مورد انتظار و محدوده مسؤلیت قرآن است. به بیان دیگر قرآن چون برای هدایت است، جامعیتش نیز در همین قلمرو قابل پذیرش است و نه بیشتر. این نظریه از پرطرفدارترین نظریه‌ها در میان محققان علوم قرآنی و مفسران به شمار می‌رود. نظریه جامعیت نسبی همان گونه که در میان گذشته‌گان دارای بیشترین اقبال و استقبال بوده است، در میان معاصرین ما نیز چنین است.

طرفداران جامعیت نسبی قرآن در تأیید نظریه خویش به آیات و روایاتی استناد کرده‌اند، اما تذکر این نکته لازم است که برخی از آیات مورد نظر ایشان، همان آیاتی است که معتقدان به نظریه اول، یعنی جامعیت مطلق قرآن، نیز به آنها تمسک کرده بودند که تنها نکته، تفاوت در نوع برداشت هر یک از طرفداران این دو نظریه از این آیات مشترک است.

محققان و مفسران طرفدار این نظریه با توجه به واقعیت‌های بیرونی، دایره دین را محدود به هدایت و لوازم آن کرده‌اند و تعبیراتی همچون «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ»، «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» و... را مطابق این برداشت تفسیر کرده‌اند. ایشان دیگر آیات شریفه را نیز بر همین روال مورد مطالعه و استناد قرار داده‌اند که از ذکر آنها صرف نظر می‌کنیم.

نظریه سومی که در این رابطه مطرح است، نظریه جامعیت مقایسه‌ای قرآن کریم است. بعضی از صاحب نظران، جامعیت قرآن را در مقایسه با دیگر متون وحیانی، قابل تعریف دانسته‌اند؛ ایشان معتقدند که قرآن جامع است، اما جامعیت آن در مقایسه با دیگر کتب وحیانی است.

نظریه چهارمی نیز در این مورد مطرح شده که آن هم عدم جامعیت قرآن است. این نظریه بر آن است که قرآن کمال دارد، همان گونه که خود قرآن نیز بدان اشاره کرده است ولی جامعیت ندارد. این رأی مبتنی بر تفاوت گذاشتن بین دو مفهوم جامعیت و کمال است. این نظریه را دکتر عبدالکریم سروش مطرح کرده و از آن دفاع نموده است.

این نوشتار در صدد داوری در میان نظریه‌های مطرح شده نیست و صرفاً قصد بیان اقوال و نظریات وارده در این موضوع را دارد، لذا خوانندگان را به مطالعه کتبی چون: «الاتقان» سیوطی، «البرهان» زرکشی، «احیاء العلوم» و «جواهر القرآن» غزالی و... ارجاع می‌دهد.